

## تحلیل انتقادی کتاب فضائل مصر و أخبارها و خواصها

مریم هاشمی\*

### چکیده

مقاله حاضر با هدف نقد و بررسی کتاب «فضائل مصر و أخبارها و خواصها» اثر ابن زولاق، درباره بویش علمی تاریخ‌نگاری اسلامی - ادبی تمدن فاطمیان و تاریخ محلی به نگارش درآمده است. این نوع تاریخ‌نگاری اسلامی - ادبی با سنت ریشه‌دار و اصالت خاص خود، پیوسته مورد اهتمام مؤرخان مسلمان و از جمله ابن زولاق بوده است. وی به نگارش تاریخ محلی مصر پرداخت و کتابش در زمره یکی از گونه‌های اصیل و قانونمند تاریخ‌نگاری اسلامی یعنی تاریخ محلی شهرهای متنوع جهان اسلام مطرح شد. اثر علمی ابن زولاق، تلاشی ارزشمند و گامی بلند در تبیین عمق و اعتلای تاریخ‌نگاری محلی فاطمیان است و به روش توصیفی - تحلیلی، نقد و ارزیابی می‌شود.

از نتایج به دست آمده در این وجیزه، می‌توان به عوامل ظهور این نوع تاریخ‌نگاری نزد ابن زولاق، از جمله انگیزه وطن‌دوستی و جایگاه برجسته آن و علاقه شخصی این مؤرخ محلی به ثبت وقایع تاریخی محل زندگی‌اش و نیز تشویق حاکمان محلی اشاره کرد. هم‌چنین، نویسنده در بررسی تاریخ محلی، رویکرد تاریخی - روایی و بر اساس شیوه حدیثی - خبری از شیوه‌های تنظیم در تاریخ‌نگاری اسلامی بهره برده است و مطالب کتاب را غالباً بر اساس تقسیم‌بندی ادواری و زمانی، ارائه می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** تاریخ‌نگاری محلی، ابن زولاق، کتاب «فضائل مصر»، نقد و تحلیل

---

\*استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، mhashemi27@hotmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۲

## ۱. مقدمه

منتقد تاریخی - ادبی که به شرح حال و تفسیر آثار تاریخی و در نهایت به داوری در مورد نیک و بد آثار می پردازد، مانند شناگری است که در دل دریای نقد قرار گرفته و با سوار شدن بر امواج آن چونان یک ناظر بیرونی و درونی حرکات و سکانات نویسنده اثر را نظاره می کند و به نقد و ارزیابی آن ها می پردازد؛ کتاب «فضائل مصر وأخبارها و خواصها»، که به همت ابن زولاق (۳۰۶-۳۸۷ هـ) به رشته تحریر درآمده، از جمله کتاب هایی است که می تواند عطش پژوهندگانی را که در جست و جوی تاریخ محلی مصر هستند، سیراب کند. از آن جا که این کتاب خالی از ضعف و کاستی نیست در این مختصر سعی شده است به روش توصیفی - تحلیلی به ارزیابی و نقد کتاب پرداخته و به دو پرسش زیر پاسخ داده شود:

۱. نکات اصلی مد نظر نویسنده (ابن زولاق) در کتاب «فضائل مصر» چیست؟

۲. نویسنده در پیشبرد نکته اصلی، از چه مسیر استدلالی پیروی می کند؟

در بحث از پیشینه پژوهش، تنها دو مقاله وجود دارد که به زبان عربی نگاشته شده است:

۱. مقاله «قراءه جدیدیه فی کتاب فضائل مصر وأخبارها و خواصها»، علی محمد عمر و نقد محمد سالم، مجله منبر الإسلام، رجب ۱۴۲۰ هـ.ق.، ش ۶۳۱. اما این مقاله تنها روایت از دیگران است و آن چه بیان شده، نقل است و نه نقد.

۲. مقاله «من تراثنا العلمی: فضائل مصر لابن زولاق، وصف وتلخیص لنسخه مخطوطه»، علی طنطاوی، مجله الرساله، سال دوم، ۴ و ۱۱ شعبان ۱۳۵۳ هـ.ق.، ش ۷۱. این مقاله نیز تنها به نقل روایت اکتفا نموده است و نه نقد.

شایان ذکر است که تا کنون تحلیل انتقادی چه در داخل و چه در خارج از کشور، از این اثر علمی «فضائل مصر» صورت نگرفته و امید می رود با تحلیل نقادانه آن، مسیر را برای ادیبان مؤرخ و مؤرخان ادیب و این گونه تاریخ نگاری اسلامی (محلی) هموار کند و در قوت دهی به محاسن و رفع معایب آن بکوشد.

قصد نگارنده از نقد این نوع کتاب، تذکار این موضوع است که در ایران، پژوهش هایی که در حوزه تاریخ محلی انجام گرفته است، تا حد مقبولی، مورد کاوش و بررسی قرار گرفته است، اما به نظر می رسد یکی از کمبودهایی که در این حوزه، وجود دارد، این است که در دانشگاه ها و محیط های علمی ما، پیشینه توجه به دیدگاه های نام آورانی چون ابن زولاق نه تنها کم است، بلکه به جرأت می توان گفت پژوهشی در این باره وجود ندارد و همین باعث

شده تاریخ نویسان ادبی بزرگ و مسلمان، کمتر شناخته شده باشند. از این رو، می‌توان گفت پژوهش‌هایی علمی که به معرفی اندیشه‌های این گروه از تاریخ نویسان ادبی می‌پردازند، اهمیت زیادی دارد.

## ۲. معرفی شکلی اثر

کتاب «فضائل مصر» را ابن زولاق نوشته و علی محمد عمر به تحقیق و بررسی آن پرداخته و برای دومین بار در انتشارات «مکتبه الخانجی» در قاهره به سال ۲۰۰۰ چاپ شده است؛ با ذکر این که چاپ اول کتاب به درستی معلوم نیست. این کتاب با فهرس آن بدون تقسیم بندی به عناوین بخش و فصل، و بدون خاتمه، ۱۴۴ صفحه دارد. جلد کتاب سبز رنگ و در بالای آن عنوان کتاب و نام نویسنده و محقق با درجه علمی دکتر و در پایین سمت راست، آرم انتشاراتی و در سمت چپ جلد، تصویری نقاشی شده از مصریان در حال تردّد در بازارچه‌های مصر است. پشت جلد نیز در ۱۸ سطر توسط ناشر، مختصری پیرامون شرح حال نویسنده و توجه او به تاریخ مصر آمده است.

مطالب کتاب به ترتیب: «عنوان»، «شناسه»، «مقدمه»، «مطالب اصلی کتاب»، «پیوست‌ها»، «فهرست اعلام»، «فهرست» محتویات، و «مراجع» می‌باشد.

- شناسه کتاب: شامل نام مرکز انتشاراتی، نویسنده، ایمیل و آدرس درگاه اینترنتی می‌باشد. موضوع اصلی کتاب را در این شناسه، تاریخ مصر است.

- مقدمه: این بخش حدود ۱۴ صفحه (۳-۱۶) از کتاب را به خود اختصاص می‌دهد و شامل روش نگارش ابن زولاق و جایگاه وی در میان مؤرخان می‌باشد.

- مطالب اصلی کتاب: بعد از مقدمه با ذکر آیات شریفه‌ای از قرآن کریم که درباره مصر سخن به میان آورده، آغاز می‌شود. سپس با احادیثی از رسول خدا (ص) در همین باره، ادامه می‌یابد. صفحه ۹، دعا‌های پیامبرانی است که برای سرزمین مصر طلب رحمت و نعمت الهی کرده‌اند. صفحه ۱۰ به توصیف علما و دانشمندان از مصر می‌پردازد. صفحه ۱۳ در ذکر پیامبرانی است که در سرزمین مصر متولد شده‌اند. صفحه ۱۷ به شرح حال گروهی از حکیمان مصر می‌پردازد. صفحات ۲۰-۵۳ به ذکر پادشاهانی می‌پردازد که بعد از رخداد طوفان نوح (ع) بر مصر حکومت کردند. سپس از فتح آن به دست مسلمانان و حکمرانی پادشاهان دوره اسلامی بر مصر سخن می‌راند و خلفای فاطمی که قبل از معز بالله فاطمی وارد مصر شدند و شرح حال کارگزاران مالیات خراج، قاضیان، اصحاب رسول خدا

(ص)، راویان و طبقات آنان، محدثان، نویسندگان، حافظان احادیث، راویان فقه و فقیهان، نحویان و شاعران برجسته، متکلمان، نسب شناسان، زاهدان، نجیب زادگان خاندان ابی طالب، فرزندان ابی طالب و علویان، عباسیان، شیعه شدگان مصری (مسلمانانی که در ابتدا بر مذهب شیعه نبودند ولی بعد شیعه شدند)، سوارکاران جنگی، مرزداران، مساجد و اماکن شریفه می پردازد.

صفحات ۵۴-۱۰۴ به ویژگی‌های سرزمین مصر و پرسش و پاسخی که مأمون خلیفه عباسی پیرامون مصر مطرح کرد و ذکر شهرک‌ها، روستاها، توابع حومه مصر، شگفتی‌ها و عجایب مصر، رودخانه نیل، خاک مصر، مالیات مصر، خوارک و پوشاک و مسکن و چارپایان مصر، و روزهایی که مناسب با ماه‌های قبطی است که در آن به امور کشاورزی، زراعت و آبیاری بپردازند و جزر و مد نیل را در نظر بگیرند، آمده است.  
-خاتمه کتاب: خاتمه ندارد.

-پیوست ها (الملاحق): در ۲ صفحه شامل دو عکس از نسخه‌های خطی کتاب؛ نسخه اول از نسخه الأزهري به شماره ۱۱۵۳ و نسخه دوم موجود در «دار الکتب» به شماره ۲۳ می باشد.

-فهرست نام اعلام و مصطلحات (فهارس): این فهرست در ۲۶ صفحه (۱۱۱-۱۳۶) به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده است.

-محتویات (فهرست): فهرست این کتاب در سه صفحه (۱۳۷-۱۳۹) شامل عناوین اصلی و فرعی است.

-کتابنامه (المراجع): مراجع و مآخذ این کتاب در ۵ صفحه (۱۴۰-۱۴۴) به ترتیب حروف الفبایی اسامی کتاب ها تنظیم شده است.

### ۳. تحلیل ابعاد شکلی یا تحلیل کمی کتاب «فضائل مصر»

ساخت یا ساختار به معنی چارچوب متشکل پیدا و ناپیدای هر اثر، عبارت از نظامی است که همه اجزای اثر و همه اعضای آن، در پیوند با یکدیگر و در کاربردی هماهنگ، کلیت اثر را می سازد. این کارکرد، هدف مشخصی دارد که بدون تعامل و هماهنگی اجزا امکان پذیر نیست. (رضایی و محمودی، ۱۳۸۹: ۴۷).

هر چند مفهوم ساختار، فراتر از ابعاد شکلی یک اثر است، اما در برگیرنده آن نیز می باشد. (میرزائی، ابویسانی، بی تا: ۴) کتاب «فضائل مصر» نیز دارای ابعاد شکلی ویژه خود می -

باشد که تحلیل آن ارزش کمی این اثر را نشان خواهد داد. فصول کتاب به شکل تاریخی تنظیم شده است و نویسنده سرزمین مصر را از رخدادهای زمان حضرت نوح (ع) و طوفان مهلکی که عصیان‌گران را در گرداب خود غرق کرد، تا گشودن آن توسط مسلمانان را توصیف می‌کند و در بُعد شکلی، کمیّت و حجم، میان تعداد صفحاتی که به عناوین مدّ نظر نویسنده مربوط است، هماهنگی به چشم می‌خورد.

کتابنامه (مراجع) این کتاب ۶۴ مصدر و مرجع است و نشان می‌دهد، محقق در بررسی موضوع تلاش بسیار گسترده‌ای داشته است و با دسته‌بندی خوبی هم ارائه شده است و قابل استفاده برای پژوهشگران تاریخ محلی مصر می‌باشد. مراجع و منابع به کار رفته، در پاورقی هر صفحه آورده شده است. بخش فهارس این کتاب اعم از اعلام و الفاظ اصطلاحی (قبائل و طوائف)، و اشعار بر اساس حروف الفبا آورده و به شکل دقیقی تنظیم شده است.

علائم نگارشی، نوع و اندازه قلم، پاورقی‌ها، ذکر مراجع و منابع در هر صفحه، و مواردی از این قبیل، از دیگر نکات مورد توجه در تحلیل ابعاد شکلی یک اثر می‌باشد. (همان، بی تا: ۴) به نظر می‌رسد قلم به کار رفته برای نوشتن این اثر، به خوبی انتخاب شده است، چرا که از یک سو زیباست و از دیگر سو خواننده را به هنگام مطالعه، دچار مشکل نمی‌کند و چشم وی را نمی‌آزارد. همچنین اندازه قلم به کار گرفته شده در پاورقی، یک یا چند سایز کوچک‌تر از اندازه متن اصلی انتخاب شده است.

شماره‌های پاورقی هر صفحه از شماره یک آغاز می‌شود و به صورت تسلسلی، از ابتدای کتاب تا انتهای آن پیگیری نشده است. همچنین عناوین اصلی با قلم درشت و عناوین فرعی با قلم ریزتر انتخاب شده است. نکته دیگر تعداد سطرهای موجود در هر صفحه است. صفحاتی که پاورقی ندارند دارای ۲۳-۲۵ سطر، و صفحات همراه با پاورقی ۲۶-۲۷ سطر را در خود جای می‌دهند و به نظر می‌رسد میان سطرهای به کار رفته در هر صفحه هماهنگی برقرار است. دیگر آن که کتاب تنها با ذکر یک مقدمه آغاز می‌شود و در صفحات بعد، و قبل از ورود به عنوان جدید، خواننده، با واژه‌ای چون «تمهید» نیز برای شروع مطالب مقدماتی مواجه نمی‌شود.

#### ۴. تحلیل ابعاد محتوایی کتاب «فضائل مصر»

برای پرداختن به مقوله تحلیل ابعاد محتوایی یا تحلیل کیفی کتاب «فضائل مصر»، شایسته است که به تعریف مفاهیم و اصطلاحات مطرح در این کتاب چون «تاریخ‌نگاری محلی» بپردازیم:

#### ۴-۱. تعریف تاریخ‌نگاری محلی

اصطلاح «تاریخ‌نگاری محلی» از جمله مفاهیم فنی و تخصصی در تاریخ‌نگاری نوین اسلامی است که می‌توان با مشاهده شواهد و مصداق‌های متعددش آن را این چنین تعریف نمود: «تاریخ‌نگاری محلی یکی از صور و شکل‌های اصلی تاریخ‌نگاری اسلامی است که سنت ریشه‌داری در ادبیات تاریخی - اسلامی دارد و در مقایسه با دیگر گونه‌های قانونمند نوشته‌های تاریخی، از تنوع شکلی (صوری) و محتوایی منحصر به فردی برخوردار است.» (روزنتال، ۱۳۶۶: ۱۷۳)

تاریخ محلی عادتاً در مقابل تاریخ عمومی قرار گرفته است و این تقابل و تضاد به تعریف نسبی تاریخ محلی کمک می‌کند. تکیه بر این اضداد یا خاصیت‌ها می‌تواند ما را به تعریفی ولو نسبی از تاریخ محلی نزدیک کند. یکی از این خاصیت‌ها آن است که تعبیر تاریخ محلی با نظر به جزء دوم این ترکیب اضافه، خواه ناخواه با جغرافیا پیوند می‌خورد و تاریخ‌نگاری محلی خواسته یا ناخواسته، خود را ملزم می‌بیند نه تنها تاریخ را در جغرافیا به تماشا بنشیند بلکه بر سر آن است تا جغرافیا را نیز در چشم اندازی تاریخی مورد بررسی و ملاحظه قرار دهد. این هم‌نشینی و هم‌پیوندی، مرز دیگری را نیز به روی تاریخ محلی می‌گشاید و آن «جغرافیای تاریخی» است. (رودگر، بی تا: ۲)

تاریخ‌نگاری محلی یکی از انواع تاریخ‌نگاری‌های موضوعی و به عنوان یکی از شاخه‌های مهم تاریخ‌نگاری اسلامی از ابتدای قرون اولیه اسلام به شمار می‌رود و شامل تواریخ خاص یک منطقه، ناحیه یا یک شهر می‌باشد که از قرون گذشته بسیار معمول گشته است به طوری که برخی شهرها به خصوص شهرهای مهم دارای چندین تاریخ مکتوب می‌باشند؛ البته آثار تاریخی محلی زیادی دستخوش حوادث شده و از بین رفته‌اند به طوری که امروزه در سایر منابع تاریخی تنها نامی از آن‌ها بر جای مانده است. با بررسی منابع تاریخ‌نگاری محلی به نظر می‌آید که مؤرخان آن‌ها به نوشتن تاریخ منطقه خود مشتاق بوده‌اند تا از این طریق اوضاع منطقه و محل سکونت خود را وارد تاریخ ساخته و به اطلاع عموم و آیندگان برسانند. (حمیدی، ۱۳۷۲: ۶۲-۶۴)

#### ۴-۲. علل و انگیزه‌های رویکرد تاریخ‌نگاری محلی در عهد فاطمیان و نزد ابن زولاق

پس از آن که حکومت‌های محلی از میان حکومت مقتدر مرکزی قد برافراشته و با پشت سرگذاشتن دوره‌های طولانی مدّت نزع و اختلاف، قدرت و استقلال یافتند، جرّقه-

ای از آگاهی و وجدان بومی در دل مردم این نواحی شعله کشید و آنان را با قدرت‌های حاکمه محلی در دفاع از تعرضات همسایگان‌شان، همگام ساخت و مؤرخان منطقه‌ای در این نهضت، به نگاشتن تواریخ این مناطق روی آوردند تا سوابق افتخارآمیز منطقه خود را احیاء و آن سوابق را به متعرضان گوشزد نمایند. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۶۱: ۱۴۳)

پرداختن مؤرخان ادیان دیگر به تواریخ محلی به نوعی در روی آوردن مسلمانان به نگارش تاریخ‌های محلی خود، بی‌تأثیر نبوده است، به طوری که نمونه‌ها و آثاری در تاریخ‌های محلی عربی - اسلامی نفوذ یافته است که منشأ مسیحی و سریانی دارند. وجود این شواهد سبب گردیده تا برخی احیا و رشد تاریخ‌نگاری محلی را متأثر از تاریخ‌نگاری مسیحی و سریانی بیندارند؛ و موقعیت تجاری و بازرگانی شهرها و برخورداری از ارتباطات سایر مناطق، در برانگیختن مؤرخان محلی به گردآوری آثار محلی و شناساندن محل خود به سایرین، در رشد این تاریخ‌نگاری مؤثر بوده است؛ همچنین به عنوان دیگر علل رویکرد مؤرخان به تاریخ‌نگاری محلی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: (طیبی، ۱۳۸۱: ۹۳-۹۶)

-علاقه مندی و تجسس مردم شهرنشین به جهت اطلاع از اوضاع و احوال پیشینیان خود.

-وطن دوستی و علاقه به زادگاه.

-تعیین زادگاه راویان حدیث.

-موقعیت تجاری و بازرگانی.

علت و انگیزه ابن زولاق در نگارش کتاب «فضائل مصر» این بوده است که تحولات مصر بعد از حادثه طوفان نوح (ع) تا ورود اسلام و حکمرانی مسلمانان بر آن را پی‌گیری نماید. وی به طور مشخص، روی سال‌های ۲۰ هـ.ق. از ورود اولین سرکرده مسلمانان، به نام عمروبن‌العاص تا آخرین آنان، جوهر سیسیلی تمرکز می‌کند. بنابراین کتاب می‌تواند منبعی نسبتاً جامع برای رصد کردن جنبش‌ها و رویکردهای تاریخ محلی مصر به شمار آید.

#### ۴-۳. ویژگی‌های تاریخ‌نگاری محلی فاطمیان و کتاب «فضائل مصر»

این ویژگی‌ها را می‌توان در چهار بخش از ویژگی‌های عمومی مؤرخان محلی، مباحث موردنظر آنان و عوامل تأثیرگذار در آن، شیوه نوشتاری و محتوای متون این تاریخ‌نگاری‌ها، جستجو نمود. برخی ویژگی‌های تاریخ‌نگاری محلی در عهد فاطمیان و از جمله ابن زولاق که از مؤرخان این عهد تاریخی است از این قرار است: (نورائی، ۱۳۹۰: ۲۶۲)

۱. تاریخ‌نگاران محلی این دوره بیشتر با رویکرد توصیفی به نگارش تواریخ محلی اهتمام نموده و اطلاعات آنان مبتنی بر مشاهدات عینی، مطالعات میدانی، منابع و اسناد بوده است.  
۲. کاربرد آیات قرآنی، احادیث و روایات نبوی، حکایت‌ها و گاه اشعار شاعران و استناد بدان‌ها به اقتضای کلام، به ویژه در بیان فضائل و محاسن شهرهای مصر، شاخصه دیگر این گونه تاریخ‌نگاری است.  
۳. از یک منظر کلی دیگر، تاریخ‌های محلی در این دوره به طور عمده در سه قالب تراجم، خطط، وقایع‌نگارانه و گاه در ترکیبی از این سه قالب نگاشته شده‌اند.  
۴. بیشتر تاریخ‌های محلی در این دوره، به دلیل پرداختن به حدود مصر و شهرهای آن، از بارزترین منابع در تعیین حدود جغرافیایی و ترسیم نقشه اقلیم مصر در دوره‌های مختلف زمانی به شمار می‌آید.

۴-۳-۱. ویژگی‌های نوشتاری تاریخ‌نگاری محلی فاطمیان و کتاب «فضائل مصر»  
تألیفات تاریخی دوره فاطمیان در دو دسته، طبقه بندی می‌شوند: (نورائی، ۱۳۹۰: ۲۶۳)  
- تألیفاتی که دارای نثر فنی و ادبی می‌باشند که به نظر می‌رسد مؤلفان از خلق این آثار اغلب هدفی به جز تاریخ‌نگاری نیز داشته‌اند.  
- تألیفاتی که دارای نثری روان و ساده می‌باشند و پیداست که نگارنده هدفی جز تاریخ‌نگاری نداشته است.

ویژگی‌های نوشتاری کتاب «فضائل مصر» بدین شکل است که دارای نثری سلیس و روان است و به نظر می‌رسد نویسنده، انتخاب قلم و نثر ساده و آسان خود را علاوه بر انگیزه تاریخ‌نگاری، بدین جهت به کار برده که تصمیم داشته تمام اقشار جامعه آن وقت، اعم از خواص و عوام، و شاید آیندگان بی‌هیچ حرج و زحمتی در مواجهه لغات و واژگان دشوار و یافتن معانی آن، از تاریخ کهن و بی‌مانند مصر در نوع خود، اطلاع یابند.

۴-۳-۲. ویژگی‌های محتوایی تاریخ‌نگاری محلی فاطمیان و کتاب «فضائل مصر»  
برخی ویژگی‌های محتوایی متون تاریخ محلی فاطمیان از قرار زیر است: (نورائی، ۱۳۹۰: ۲۶۳)



-نویسندگان این عهد به واسطه مطالعه منابع تاریخی بسیاری، از آگاهی و اطلاعات بالایی برخوردار بودند.

-از دیگر مواردی که در محتوای تواریخ محلی به چشم می خورد، تا حدودی پرهیز از تکرار است.

از این رو پیداست انگیزه برخی مؤرخان محلی در ثبت وقایع شهر و منطقه محل سکونت-شان بسیار بیشتر از انگیزه نمایش دادن هنرمندی خود در نثرپردازی و واژه آرایی و یا حتی جمع آوری اخبار و اطلاعات بوده است.

-برخی کتب محلی این زمان، به امر حاکم محلی تألیف گردیده است و تأکید برخی حکام محلی به ثبت حقایق می تواند بر پرهیز از دروغ پردازی و یا مبالغات غیرواقعی قلمداد گردد.

-نوع نگرش و نگاه مؤرخان به فاطمیان نسبت به دیگر حکام تا این زمان، از نوعی پیچیدگی برخوردار است.

شعور تاریخی به کار رفته در محتوای کتاب «فضائل مصر» بیانگر این است که نویسنده در ترسیم تاریخ نگاری محلی مصر، با قرآن کریم و حدیث و تفسیر پیوند بسیار دارد؛ و از این رهگذر از یکسو، در صدد بیان میزان قدسیّت و روحانیّت سرزمین مصر به مخاطبان است، و از سوی دیگر در صدد گوشزد نمودن اهمیت استراتژیک این خطّه از کرة خاکی است که محلّ قدوم انبیا، پیامبران، و اولیای الهی بوده است.

## ۵. تحلیل محتوای کیفی کتاب «فضائل مصر»

شکل و مضمون از مؤلفه های آثار تاریخی - ادبی است. بنابراین پسندیده نیست که در نقد چنین آثاری، جانب یکی را نگه داشت و دیگری را به حال خود رها نمود، چرا که شکل تنها که معیار فنی متون تاریخی - ادبی است آنها را فقط وارد قلمرو تاریخ و ادبیات می-کند، در حالی که مضمون، هویت و آبخور اندیشه ای آنها را آشکار می سازد و این همان چیزی است که جاودانگی، عظمت و اهمیت چنین متونی را در پی خواهد داشت. (قصاب، ۲۰۰۷: ۴۸) بنا بر این، در پرتو بررسی تحلیل محتوای این اثر راهی برای فهم و تفسیر شعور تاریخی نویسنده یافت می شود.

فرایند تاریخ نگاری محلی در دوره فاطمیان، شاهد نگارش اثری با عنوان «فضائل مصر» و اخبارها و خواصها» است که حاوی چشم اندازهای متنوع موضوعی تاریخ نگاری محلی

مصر می‌باشد. هدف از نگارش کتاب «فضائل مصر»، ترسیم همان فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مصر است که اشارات تاریخی نویسنده به اقوام و امم پیشین، انگیزه ای قوی برای وی گردید تا درباره این اشارات تاریخی اطلاعات بیشتر و دقیق تری به دست آورد. از آن‌جا که تاریخ‌نگاری محلی به ثبت و ضبط وقایع تاریخی در محدوده یک محل یا موقعیت جغرافیایی (شهر، ایالت یا ناحیه) اطلاق می‌گردد و امروزه ذیل تاریخ ملی قرار می‌گیرد. (سجادی و عالم‌زاده، ۱۳۷۹: ۳۴) ابن زولاق، این تاریخ‌نویس محلی که اصلاً مصری است بعد از مدّ نظر قرار دادن عامل جغرافیایی که سرزمین مصر است با تکیه بر عناصر سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به تاریخ محلی مصر می‌پردازد.

تاریخ‌های محلی بیش از هر گونه دیگر از تاریخ‌نگاری، با اوضاع و احوال جغرافیایی سرزمین‌ها سروکار دارد و در واقع به دلیل رابطه مستقیم و تنگاتنگ رخدادهای محلی با شرایط طبیعی و جغرافیایی می‌توان تاریخ‌های محلی را با مفهوم تاریخ طبیعی نزدیک دانست و به همین جهت در مقدمه این آثار، تشریح اوضاع جغرافیایی و تأثیر آن بر تکوین تاریخ محلی یک سرزمین و نیز توپونومی (Toponymy) - یعنی علم شناخت وجه تسمیه نام‌های جغرافیایی - حتماً مورد توجه قرار می‌گیرد. (خیر اندیش، ۱۳۸۰: ۴)

ملاحظات دینی در ابتدا اصلی‌ترین بخش تاریخ‌های محلی را تشکیل می‌داد و رفته‌رفته، مفاخره محلی نیز به آن افزوده شد. (اتکینسون و دیگران، ۱۳۷۹: ۴۴-۴۵) وجود حسّ وطن‌دوستی و تفاخر بومی در بین مؤرخان محلی از یکسو و ضرورت دستیابی حکمرانان محلی به کاربرد اطلاعات شهرها و ایالات مختلف در وضع مالیات‌ها و طرز وصول آن، از سویی دیگر سبب رشد و شکوفایی تاریخ‌نگاری محلی گردید. (اشپولر و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۸۲).

مفاخره محلی و بومی نیز از عوامل مهمّ ایجاد انگیزه در مؤرخان محلی برای تألیف آثارشان بود و رفته‌رفته این انگیزه به قدری در مؤرخان محلی تقویت یافت که عدم وجود منابع تاریخ‌نگاری محلی برای منطقه‌ای رسوایی تلقی می‌شد چرا که حاکی از غفلت مؤرخان آن منطقه بود که به رغم نگاشتن تاریخ سایر مناطق، از نگاشتن تاریخ زاد و بوم خود بازمانده‌اند. (روزنتال، ۱۳۶۶: ۱۷۳).

به نظر می‌رسد، ابن زولاق نیز از این قاعده مستثنی نبوده است و پیوسته در نگارش کتاب از فخر و مباهات خویش و هم‌وطنانش در اسکان سرزمین مصر سخن به میان می‌آورد. (روزنتال، ۱۳۶۶: ۱۷۴) از یکسو محدودیت منطقه مورد بررسی و از دیگر سوی

آشنایی و اشراف ابن زولاق بر موطن و هموطنان خود، به نوعی دقت و صحت تاریخ مکتوب وی را افزایش داده است و هر چند منابع تاریخ عمومی از حیث داشتن اطلاعات محلی و ایالتی متعدد می باشند اما بدون بررسی تاریخ های محلی، دستیابی به تاریخ یک منطقه دشوار می گردد. البته برخی تاریخ نگاران محلی، نیز از وسعت دید برخوردار بوده و به اوضاع و احوال پیشینیان و تواریخ پیامبران و حکام و یا به شرح وقایع خارج از منطقه خود نیز پرداخته اند که ابن زولاق در زمره این تاریخ نگاران محلی است. در نقد و ارزیابی این اثر باید گفت، از آنجا که مفهوم «نقد» یعنی بررسی و ارزیابی قدر و قیمت و یا ارزش چیزی و یا بررسی نقاط قوت و ضعف اثری، به منظور تعیین ماهیت و یا محدودیت های آن، یا تعیین میزان مطابقتش با معیارهای مقبول؛ (حضرتی، بی تا: ۲) کتاب «فضائل مصر» نشان می دهد که نویسنده در ارائه موضوعات و تدوین کتاب از رویکردی تاریخی - روایی و بر اساس شیوه حدیثی - خبری از شیوه های تدوین و تنظیم در تاریخ نگاری اسلامی بهره برده است. این امر کتاب مذکور را در جایگاهی منظم براساس رویدادهای تاریخی در بستر زمان قرار می دهد و امکان تداخل های ناخواسته را بر نویسنده مسدود می کند.

#### ۵-۱. مزایای کتاب «فضائل مصر»

پژوهش در زمینه نقد یکی از منابع تاریخ نگاری اسلامی، به ناگزیر مقوله مربوط به مزایای منبع مد نظر را مطرح می کند. از جمله این که:

- ابن زولاق در طول عمر ۸۱ ساله خود، آثار بسیاری به تاریخ نگاری اسلامی تقدیم کرد؛ از جمله کتاب مورد نقد، منبعی بسیار مفید و غنی در تاریخ نگاری اسلامی عصر فاطمیان محسوب می شود.

- ابن زولاق توانست، پژوهشی در خور توجه از تاریخ مصر تا اواخر قرن چهارم هجری را به میراث تاریخ نگاری اسلامی اضافه کند.

- استنادها و ارجاع های فراوان به هنگام ذکر رخداد واقعه ای تاریخی.

- این کتاب در شناخت زمینه های فکری، روش ها و آرای دیگر مؤرخان اسلامی، حائز اهمیت است. زیرا در اثنای سطرهای مرقوم شده در کتاب می توان کم و بیش به دگرگونی هایی که در پژوهش و بینش تاریخی دوره فاطمیان رخ داده، دست یافت.

- کتاب «فضائل مصر»، اطلاعات جامع و همه‌جانبه‌ای از قبیل شهرشناسی جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی مصر، به صورت‌هایی نظیر مختصات اقلیمی، تاریخچه و کیفیت پیدایش شهر، اسامی اماکن، عمارت‌ها، مقبره‌ها، لیست افراد نامور اعم از صاحب منصبان دولتی، علمی، متمکنین، سلسله حاکمان محلی، اوضاع اقتصادی و اجتماعی در مصر را به دست می‌دهد.

- ابن زولاق با نگارش کتاب «فضائل مصر» خود را به عنوان پیشتاز مؤرخان مصری در زندگی فرهنگی و فکری مصر در قرن چهارم هجری، معرفی کرد و تألیفاتی را به مکتب تاریخ نگاری مصر ارائه کرد که با وجود گذشت زمان طولانی از عصرش، هم‌چنان به عنوان بارزترین چهره فکری - فرهنگی مصر نزد مؤرخان مصری و دیگر مؤرخان مطرح است و این امر با استناد مؤرخان و اعتماد آنان به آثارش از جمله کتاب «فضائل مصر» متبلور می‌گردد.

- محقق (علی محمد عمر)، مطالب کتاب را با زیرنویس‌های بسیاری همراه کرده است که شاید حجم آن‌ها از حجم مطالب مربوط به نویسنده کتاب هم بیشتر باشد. نگارنده بر این باور است که علت اصلی این کار این است که کتاب از نظر حجم و اندازه کوچک به نظر می‌رسد، ولی از نظر محتوا، در برگیرنده مفاهیم گوناگون است که محقق به خود اجازه داده است تا در حین تحقیق، بسیاری از مفاهیم و مباحث را در پاورقی توضیح دهد. در واقع ابن زولاق در «فضائل مصر» زبانی تاریخی و ادیبانه اختیار کرده است و با توجه به چگالی بالای معنایی که بر کتاب، حاکم است، محقق را ناگزیر می‌کند که همراه با متن اصلی، توضیحات بسیاری به آن بیفزاید.

- نویسنده در بررسی تاریخ محلی، رویکرد تاریخی - روایی و بر اساس شیوه حدیثی - خبری از شیوه‌های تنظیم در تاریخ‌نگاری اسلامی بهره برده است و مطالب را اکثراً بر اساس تقسیم ادواری و زمانی، ارائه می‌کند.

#### ۵-۲. معایب کتاب «فضائل مصر»

سخن از معایب کتاب به معنای کاستن از شأن آن و تحقیق آقای علی محمد عمر نیست؛ اما از آن جا که گفته اند: «لکل شیء إذا ما تم نقصان» (الرندي، ۲۰۱۰: ۲) (۲) این معایب عبارت است از:

#### ۵-۲-۱. اطناب مملّ و ایجاز مخلّ

ابن زولاق گاه در برخی موضوعات دامنه سخن را طولانی و در موضوعات دیگر، دامنه سخن را بسیار کوتاه می کند. به نظر می رسد علت این کار این بوده باشد که ابن زولاق در صدد خارج کردن خود از سختی درک مطالبی است که به روشنی، واضح نبوده است.

#### ۵-۲-۲. کتاب، خاتمه ندارد

انتظار می رفت اگر حدّ اقل در پایان هر موضوعی از موضوعات کتاب، خاتمه یا نتیجه گیری وجود ندارد، پایان کتابی که این چنین مطمح نظر مؤرخان اسلامی و مرجع استناد آنان در آثارشان به شمار می رفته است، خاتمه ای وجود داشته باشد. البته شاید ضرورتی نداشته باشد در باب مباحث کتاب حاضر، «نتیجه» ای نوشته شود، چرا که مدعایی را به آزمون نگذاشته است تا یافته های جدید را در نتیجه بیان کند. اما بی ضرر نبود اگر در سخن پایانی کتاب، خاتمه ای وجود داشت.

#### ۵-۲-۳. کتاب، فاقد روش در پژوهش های تاریخی - ادبی است

با توجه به اهمیت روش در این گونه پژوهش ها، اگر چه دغدغه همیشگی مؤرخان، توصیف گسترده بوده و هست، اما به هر حال حتی اگر نخواهند به سراغ تبیین و تحلیل هم بروند، برای آن توصیف نیز، نیازمند روشند.

روش های علمی کیفی و کمی و به کارگیری آنها در پژوهش های تاریخی می تواند معیار تمیز تحقیقات تاریخی آکادمیک و غیرآکادمیک از یکدیگر باشد. بنابراین توقف در تاریخ توصیفی هم، بی نیاز از روش نخواهد بود. (حضرتی، ۱۳۹۱: ۱۹۵)

#### ۵-۲-۴. مبالغه و غلو در کتاب

به نظر می رسد، ابن زولاق در باره ای از موارد، چون ساحرانی که توسط فرعون در برابر موسی (ع) حاضر شدند و همه آنان در یک ساعت ایمان آوردند، معتقد است که قومی را نمی شناسد که در یک ساعت بیش از اینان، ایمان آورده باشند؛ این در حالی است که تاریخچه دین مبین اسلام، بیانگر این است که افراد و اقوامی بوده اند که به محض اولین دیدار، بی آن که استدلال و ادله ای مبنی بر توحید و یکتاپرستی بر آنان اقامه شود، ایمان آورده اند.

## ۵-۲-۵. خالی بودن کتاب از تحلیل تاریخی

انتظار می‌رفت، صفحات کتاب خالی از تحلیل تاریخی نباشد. در حقیقت نویسنده، بیشتر نگرش به تاریخ مصر را به گونه‌ی روایی دنبال می‌کند و نه تحلیلی.

## ۶. روش ابن زولاق در نگارش کتاب «فضائل مصر»

پیشروی سریع و فتوحات عرب‌های فاطمی در مصر به گسترش قلمرو اسلامی آنان انجامید و پس از آن، فاطمیان می‌بایست شیوه‌ای جهت اداره امور قلمروشان بیاندیشند و از همه مهمتر وضعیت مالی و محاسبات مالیاتی قلمروشان، نیاز به تدابیر عقلی داشت؛ و بدین سان مؤرخان فاطمی در صدد گردآوری اسناد «اغلب شفاهی شامل نقل قول راویان» (زیدان، ۱۳۵۲: ۴۹۷) چگونگی فتح ممالک و ولایات مختلف برآمدند و خواسته یا ناخواسته به تألیف کتاب‌هایی در باب فتح هر منطقه پرداختند. برخی از مؤرخان به تاریخ‌نویسی در باب شهرها پرداختند. مطالب تاریخ آنان بیشتر مشتمل بر شرح و توصیف شهر و مردم آن گردید. از انواع این کتب می‌توان «خَطَط» قضاعی و «خَطَط» مقریزی درباره تاریخ مصر و «اخبار مصر والقاهره» تألیف ابوالمحاسن (ابن تغری البردی) و سیوطی را نام برد که خطط مقریزی از همه مشهورتر است. (زیدان، ۱۳۵۲: ۵۰۱).

ابن زولاق نیز با شرح احوال بزرگان و مشاهیر و حتی در برخی موارد ذکر قبور و مزار اموات که حاکی از علاقه وی به وارد ساختن محل سکونتش (کشور مصر) به تاریخ می‌باشد، چنین می‌نماید که از تاریخ محلی چون ابزاری کارآمد برای نوعی رقابت و تفاخر جهت بزرگ‌نمایی وطن و سرزمین پدری استفاده کرده است، تا جایی که با اصرار شدید در پی یافتن احادیث و آیاتی از قرآن حکیم که در آن ذکر مصر آمده، است تا با استناد به آن‌ها اثر خود را مزین کند: (اهبطوا مصرًا فإن لکم ما سألتم) (بقره / ۶۱) و همچنین، حکایت فرعون و افتخارش به مصر: (و نادى فرعون فى قومه قال يا قوم اليس لى ملك مصر و هذه الائنهار تجرى من تحتى افلا تبصرون) (الزخرف / ۵۱)؛ بدین وسیله در صدد بوده تا به شهرش اعتبار معنوی خاصی ببخشد.

ابن زولاق به همین روش در روایت اثرش، پیش می‌رود؛ وی از احادیث رسول اکرم (ص) که در آن سخن از مصر به میان آمده است از جمله حدیثی (۱) که پیامبر، صحابه‌اش را به قبطیان مصر سفارش نمود، استناد می‌کند. (ابن عبدالحکم، فتوح مصر، ۱۹۹۵: ۲۰) و (مسلم، صحیح، ج ۴/۱۹۷۰). (بعد از من سرزمین مصر را فتح خواهید کرد، شما را به

رفتاری نیکو با قبطیان سفارش می‌کنم، زیرا آنان تحت مسئولیت و حمایت شما هستند). هم‌چنین هاجر همسر ابراهیم (ع) و مادر فرزندش اسماعیل (ع) و ماریه قبطیه، همسر رسول اکرم (ص) نیز از ایشان بودند. (ابن عبدالحکم، ۱۹۹۵: ۲۰).

قول مشهور این است که ابن زولاق در بسیاری از آثارش درباره فضاائل مصر به روش عمر بن ابی‌عمرکندی - که از اساتید وی بوده است - پیروی نموده است و یا شاید این مسأله بدان مربوط شود که در بسیاری از اوقات کتاب‌های این دو نفر (ابن زولاق و استادش) به یکدیگر شباهت دارد. (ابن زولاق، ۲۰۰۰: ۷)

طبیعی است که اهتمام و توجه ابن زولاق به تاریخ باشد زیرا کشور مصر که در آن زندگی می‌کند، نماینده آثار باستانی قدیم است و از بزرگان وطن کهن خود حکایت می‌کند و پرده از دوره جاوید آن در خدمت تمدن بشری برمی‌دارد.

مقامات دولتی مصر در عهد ابن زولاق به ارتباط مسلمانان با قبطیان ادامه دادند و والیان مصر قبطیان را در جشن وفاداری به نیل در هر سال مشارکت می‌دادند. جشنی که از زمان فراغت مصر تا کنون پابرجا بوده است، زیرا رودخانه نیل، منبع ثروت و آسایش در مصر بود و در نتیجه این جشن مناسبتی نیکو جهت نزدیکی هر چه بیشتر قبطیان و عرب‌های مسلمان شد. (همان، ۲۰۰۰: ۷)

از نمونه روایت‌های ابن زولاق در این زمینه آن‌چه است که حسین بن علی (ع) در نشستی که با معاویه داشت به او فرمود: از مردم سرزمین «حِفن» در سرزمین مصر که روستای ماریه، ام ابراهیم است، خراج را به خاطر تکریم رسول خدا (ص) قطع کن و وی نیز چنین کرد. (همان، ۲۰۰۰: ۷)

هم‌چنین ابن زولاق، مصر و مردم آن را به جهت ارتباطی که با پیامبران، انبیا و داعیان دینی داشته‌اند، تمجید می‌کند. وی به جایگاه وزرای مصر در قدیم اشاره کرده و روشن نمود که خداوند سبحان در قرآن کریم آنان را ستوده است، زیرا فرعون را نصیحت کردند؛ اما وزرای سرزمین بابل، نمرود را بر ادامه فحشا و قتل در مورد ابراهیم (ع) تحریض نموده و گفتند: ابراهیم را بسوزانید و خدایانتان را یاری رسانید. ابن زولاق از ساحرانی که توسط فرعون در برابر موسی (ع) حاضر شدند، به حدی شگفت زده شده بود که می‌گوید: «همه آنان در یک ساعت ایمان آوردند و قومی را نمی‌شناسم که در یک ساعت بیش از اینان، ایمان آورده باشند». (همان، ۲۰۰۰: ۷)

ابن زولاق یادآور می‌شود که مرکز جنبش علمی - دینی و قلب تپنده دانش در آن روزگار، مصر بوده است. مسجد عمرو بن العاص، محل گردهمایی دانشمندان بوده است و دانش-پژوهان برای دریافت علم و دانش به آن جا گسیل می شدند. هم‌چنین هیأت‌های علمی بسیاری از اقصی نقاط شهرهای مختلف اسلامی، با هدف روایت از علمای مصر به آن جا فرستاده شد. (همان، ۲۰۰۰: ۸)

نویسنده، پس از ستایش دانشمندان مصری، به ستایش سرزمین مصر روی می‌آورد و آن - چه را باعث برتری و تمییز میان مصر و دیگر شهرها شده، بیان می‌کند. سپس به پاکیزگی هوا و طهارت آن و سلامت و نعمتی که مردمان از آن برخوردارند و امنیتی که در مصر حاکم است و در دیگر شهرها نیست، سخن می‌گوید. ابن زولاق، توجه خود را به حاصلخیزی خاک و طینش و آن‌چه این خاک از خیر و برکت حاصل می‌کند، معطوف داشت. سپس بسیاری از روایت‌های تاریخی، که این پدیده را تمجید می‌کرد را گرد آورد؛ از جمله به روایت عبدالله بن عمرو در توصیف مصر را استناد می‌کند که هرکس بخواهد به شمایل و مظهر فردوسی برین در دنیا بنگرد، باید به سرزمین مصر، آن هنگام که کشتزارهایش سبز، و رودخانه هایش خروشان و میوه هایش می‌رسد، سفر کند. (همان، ۲۰۰۰: ۸)

این گواهی - و آن‌چه ابن زولاق شبیه آن در این موضوع دنبال کرده است - نمایان‌گر روح ملی و مؤمنی است که به بزرگی وطن کهن خود، ایمان دارد. وی در پژوهش خود، زندگی روستایی در مصر قدیم و هنگام دخول عرب به مصر، و سپس بعد از استقرار فتوحات عربی در کشور را نیز به تصویر کشیده و ثابت کرده است که روستای مصر در تمامی مراحل تاریخ، زیبایی و تابش و تالو خود را از دست نداد. ابن زولاق در حوزه تاریخ محلی مصر به تربیت اسب‌هایی که توسط عرب به مصر آورده و به سلسله نسب آن‌ها توجه می‌شد، می‌پردازد و افتخار خود و هم‌وطنانش به اسب‌های مصر و حکایت‌هایی که اهل فن در این شأن بیان داشته‌اند، از جمله روایتی از ولید بن عبدالملک بن مروان را یادآور می‌شود که ولید هنگامی که خواست سپاهی از اسبان را تدارک دهد، به حاکمان هر سرزمین نوشت که بهترین اسب‌ها را برای وی گزینش کنند. هنگامی که گروه اسب‌ها را در محضر وی به نمایش گذاشتند، اسب‌شناسی مصری، نرمی مفصل و پهلوی اسب‌ها را که دید، گفت: تمامی اسب‌های این لشکر اصیل هستند. (همان، ۲۰۰۰: ۹)



وی پیرامون نیل نیز با اعلام افتخار خود و هم‌وطنانش به این رودخانه خوشان، اهمیت آن را در زندگی مصریان گوشزد می‌شود و در این باب حقیقت مهمی را که تا کنون مصر به آن توجه بسیار داشته را آشکار می‌کند؛ و آن کوشش مسئولان در خروش و فیضان آب نیل و شناخت آب آن است. در این باره به داستان‌هایی که مربوط به آداب و رسوم طغیان این رودخانه است، اشاره می‌کند. این‌که مردم مصر به هنگام طغیان نیل، جهت جلوگیری از خرابی حاصل از طغیان رود، عروس باکره را در آن می‌انداختند و البته عمرو بن العاص به هنگام ورود به مصر این رسم را باطل کرد. (همان، ۲۰۰۰: ۹)

#### ۷. جایگاه ابن زولاق در نگارش کتاب «فضائل مصر» در میان مؤرخان

ابن زولاق با نگارش کتاب «فضائل مصر» خود را به عنوان پیشتاز مؤرخان مصری، بر مسند مکتب تاریخ نگاری مصر می‌نشانند. تألیفاتی که به مکتب تاریخ‌نگاری مصر ارائه کرد، با وجود مترتب شدن بستر زمان بر آن، هم‌چنان به عنوان بارزترین چهره فکری - فرهنگی مصر نزد مؤرخان مصری و دیگر مؤرخان مطرح است.

به عنوان مثال، ابن عثمان (م. ۶۱۵هـ) در کتاب «مرشد الزوار» از تألیفات ابن زولاق، از جمله کتاب «فضائل مصر» استفاده می‌کند. هم‌چنین یاقوت حموی (۵۷۴-۶۲۶هـ) بیشترین ماده مربوط به برخی شهرهای مصر چون: آدفو، اسکندریه، آسوان، بوسیر، دمیاط، سردوس، غریش، قیوم، مریوط، منف و هرمین را حرف به حرف از تألیفات وی در کتاب «معجم البلدان» نقل کرده است. قزوینی (م. ۶۸۲هـ) نیز از کتاب «فضائل مصر»، در مناسبت سخن از شهرهای عین شمس، هرمین و منف سود برده است. نویری (۶۶۷-۷۳۲هـ) نیز در کتاب «نهایه الأرب» در فصلی که به مصر و فضائل آن اختصاص داده، حرف به حرف از کتاب ابن زولاق را نقل می‌کند. (النویری، ۱۹۲۳: ۱۴۶). مقریزی (۷۶۴-۸۴۵هـ) هم در جایگاه‌های متعددی از کتاب «الخطط»، از تألیفات ابن زولاق مثل «فضائل مصر»، «الدلائل علی أمراء مصر»، «اخبار الماذرائیین»، «سیره المعز لدین الله» استفاده کرده است. (همان، ۲۰۰۰: ۱۱)

بسیاری از نقل‌های مربوط به کتاب «فضائل مصر» نزد ابن ظهیره محمد بن محمد القدسی (م. ۸۸۸هـ) نیز حرف به حرف از کتاب «فضائل مصر» ابن زولاق اقتباس شده است و به تألیف ابن زولاق در فصلی تحت عنوان «بیان فضیلت های مصر» اشاره می‌کند. (ابن ظهیره، ۱۹۶۹: ۱۹۸). هم‌چنین سیوطی (۸۴۹-۹۱۱هـ) در کتاب «حسن المحاضر» و

ابن ایاس نیز (۱۴۴۸-۱۵۲۳هـ) در جلد اول کتاب «بدائع الزهور» از کتاب فضائل مصر ابن زولاق سود برده‌اند. بدین ترتیب مکتب تاریخ نگاری مصر، آن هنگام که مؤرخان جدید قصد بیان فضیلت‌ها و محاسن مصر را دارند به تألیفات ابن زولاق توجه بسیار کردند. (همان، ۲۰۰۰: ۱۳)

## ۸. نتیجه گیری

در پایان، گفتن این نکته ضروری به نظر می‌رسد که کتاب «فضائل مصر» ابن زولاق، بی‌گمان، نقش زیادی در دادن پیش زمینه‌ای تاریخی - ادبی به خواننده تاریخ نگاری اسلامی، جهت ورود به مقوله تاریخ محلی و معنادار شدن مفاهیم آن می‌دهد و البته مختصر نتایج زیر را حاصل نموده است:

۱. کتاب «فضائل مصر» در عهد فاطمیان از تألیفات تاریخ محلی‌ای به شمار می‌رود که تمایل فاطمیان در ثبت وقایع تاریخی اماکن (مناطق و شهرها) را نزد نویسندگانی چون ابن زولاق متجلی می‌کند. این انگیزه باعث شد به ارزش محل زندگی خود پی ببرند و برای توصیف و نمایاندن آن به مردم دیگر مناطق و یا ساکنان خارج از مرزهای فاطمیان که در قالب بازرگان به این نواحی می‌آمدند به تألیفات تاریخ محلی بپردازند.

۲. با توجه به اعتمادسازی و گردآوری مطالب پیرامون تاریخ مصر، کتاب «فضائل مصر»، به عنوان کتابی ارزشمند و مرجعی برای تاریخ محلی مصر، گشته است و توانایی بسیاری در پاسخ به نیازهای اطلاعاتی پژوهش‌گران این مقوله دارد.

۳. نویسنده در بررسی تاریخ محلی، رویکرد تاریخی - روایی و بر اساس شیوة حدیثی - خبری از شیوه‌های تنظیم در تاریخ نگاری اسلامی بهره برده است و مطالب را غالباً بر اساس تقسیم‌بندی ادواری و زمانی، ارائه می‌کند.

۴. به نظر می‌رسد این کتاب، توانایی لازم برای کسب مهارت تحلیل تاریخ محلی، این‌گونه از تاریخ نگاری اسلامی که یکی از اهداف مهم تربیتی آموزش می‌باشد، به خوانندگان یا فراگیران نمی‌دهد، اگر چه اطلاعات زمینه‌ای بسیاری درباره تاریخ محلی مصر در اختیار وی قرار می‌دهد.

۵. ابن زولاق با نگارش کتاب «فضائل مصر» خود را به عنوان پیش‌تاز مؤرخان مصری در زندگی فرهنگی و فکری مصر در قرن چهارم هجری، معرفی کرد و تألیفاتی را به مکتب تاریخ نگاری مصر ارائه کرد که با وجود گذشت زمان طولانی از عصرش، همچنان به

عنوان بارزترین چهره فکری - فرهنگی مصر نزد مؤرخان مصری و دیگر مؤرخان مطرح است و این امر با استناد مؤرخان و اعتماد آنان به آثارش از جمله کتاب «فضائل مصر» متبلور می‌گردد.

۶. کتاب «فضائل مصر»، اطلاعات جامع و همه‌جانبه‌ای از قبیل شهرشناسی جغرافیایی، اجتماعی و اقتصادی مصر، به صورت‌هایی نظیر مختصات اقلیمی، تاریخچه و کیفیت پیدایش شهر، اسامی اماکن، عمارت‌ها، مقبره‌ها، لیست افراد نامور اعم از صاحب منصبان دولتی، علمی، متمکنین، سلسله حاکمان محلی، اوضاع اقتصادی و اجتماعی در مصر را به دست می‌دهد.

۷. کتاب «فضائل مصر»، در جرگه تاریخ‌های محلی منفرد قرار می‌گیرد، زیرا به طور خاص، به یک محل (سرزمین مصر) پرداخته است.

### پی‌نوشت

۱. حدیث رسول اکرم (ص): (سُتْفَتْحُ عَلَيْكُمْ بَعْدِي مِصرَ فَاسْتَوْصُوا بِقَبِيضِهَا خَيْرًا، فَإِنَّ لَكُمْ مِنْهُمْ ذِمَّةً وَرَحْمَةً).

۲. این مصراع ابتدای قصیده نونیه‌ی شاعر اندلسی، ابوالبقاء الرندی است. لِكُلِّ شَيْءٍ إِذَا مَا تَمَّ نُقْصَانٌ / فَلَا يُغَرُّ بِطَيْبِ الْعَيْشِ إِنْسَانٌ / هِيَ الْأُمُورُ كَمَا شَاهَدَتْهَا دُولٌ / مِنْ سَرَّةِ زَمَنٍ سَاءَتْهُ أَرْمَانٌ.

### منابع

#### قرآن کریم

ابن زولاق، حسن بن ابراهیم بن حسین لیشی (۲۰۰۰). فضائل مصر وأخبارها وخواصها، تحقیق: علی عمر، قاهره: مکتبه الخانجی، ج ۲.

ابن ظهیره محمد بن محمد القدسی (۱۹۶۹). الفضائل الباهره فی محاسن مصر والقاهره، قاهره: دار الکتب المصریه.

ابن عبدالحکم، عبدالرحمن بن عبدالله (۱۹۹۵). فتوح مصر، تحقیق: علی عمر، قاهره: مکتبه الثقافه الدینییه. اتکینسون و دیگران (۱۳۷۹). فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری، ترجمه حسین علی نودری، تهران: انتشارات طرح نو.

اشپولر، برتولد و دیگران (۱۳۸۰). تاریخ‌نگاری در ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر گستره.

حضرتی، حسن (۱۳۹۱). روش پژوهش در تاریخ‌شناسی، تهران: نشر پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

حضرتی، حسن (دی ۱۳۸۸). «درآمدی بر نقد تاریخی»، کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا)، شماره ۱۴۰. حمیدی، جعفر (۱۳۷۲). تاریخ نگاران، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ج ۱. خیراندیش، عبدالرسول (مرداد و شهریور ۱۳۸۰). «صورت‌شناسی تاریخ‌های محلی»، کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا)، سال ۴، شماره ۱۰-۱۱.

رضایی، غلام‌عباس، و محمودی، ابوبکر (۱۳۸۹). «بررسی تطوّر ساختاری دو قصیده جاهلی و اسلامی از حسن بن ثابت با نظر به مکتب ساختارگرایی»، پژوهشنامه نقد ادبی، شماره ۱، دانشگاه شهید بهشتی. الرندی، ابوالبقاء (۲۰۱۰). دیوان شعر، تحقیق: حیاة قاره، کویت: مرکز الباطین لتحقیق المخطوطات الشعریه. رودگر، قنبرعلی (بی تا). «چند وچون تاریخ محلی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. روزنتال، فرانتس (۱۳۶۶). تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ج ۲.

زیدان، جرجی (۱۳۵۲). تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: انتشارات امیرکبیر، ج ۴. سجادی، سید صادق و عالم زاده، هادی (۱۳۷۹). تاریخ نگاری در اسلام، تهران: انتشارات سمت، ج ۲. طیبی، سیدمحمد (زمستان ۱۳۸۱). «سیری در تاریخ‌نگاری محلی»، فصلنامه پژوهشگران فرهنگ شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمان، سال اول، شماره ۱. قصاب، ولید (۲۰۰۷). مناهج النقد الأدبی الحدیث، رؤیه اسلامیة، دمشق: دارالفکر. گروهی از نویسندگان، (۱۳۶۱). تاریخ نگاری در اسلام و مجموعه مقالات، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران: نشر گستره، ج ۱.

مسلم بن حجاج (۱۹۷۷). صحیح مسلم، بیروت: دار الکتب العلمیه. میرزائی، فرامرز، ابویسانی، حسین، (بی تا). «تحلیل انتقادی کتاب «الاتجاهات والحركات في الشعر العربي الحديث»، بی تا.

نورائی، مرتضی (۱۳۹۰). تاریخ نگاری محلی و خطط نویسی در مصر دوره اسلامی، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج ۱.

النویری، احمد بن عبدالوهاب (۱۹۲۳). نهاییه الأرب فی فنون الأدب، قاهره: المؤسسة المصریه.